

توانا بود هر که دانا بود

xx(( دانشگاه تبریز ))xx

xx(( دانشکده ادبیات و علوم انسانی ))xx

” پایا نامه ”

” موضوع ”

xx(( مطالعه خود کشی جوانان در ایران و علل آن ))xx

” استاد راهنما ”

xx(( جناب آقای دکتر حبیب الله ربانی ))xx

” نگارش ”

xx(( ابوالفضل - حدادی ))xx

” سالتصولی ”

xx(( ۱۳۴۹ - ۴۸ ))xx

۱۰۶۴۸

xx (( فهرست مندرجات )) xx

صفحه	عنوان
۶ - ۱	مقدمه .....
۱۰ - ۷	نظریات مربوط بخود کشی .....
۱۲ - ۱۰	آمارگیری نمونه ای از صد نفر .....
۱۵ - ۱۳	علل خود کشی .....
۱۶	جدول درصد شغل خود کشی کنندگان در خرداد و مهر ماه سال ۴۵۶۴۰
۴۰ - ۱۷	عوامل روانی .....
۴۶ - ۴۰	عوامل جسمانی .....
۵۳ - ۴۷	عوامل اجتماعی .....
۵۶ - ۵۴	عامل اقتصادی .....
۶۳ - ۵۶	عامل جغرافیائی .....
۶۳	عامل سیاسی .....
۷۴ - ۷۴	نقص تعلیم و تربیت و ..... رابطه آن با خود کشی .....
۷۸ - ۷۴	شکست و روابط آن با خود کشی .....

۱۰۶۴۱

xx (فہرست مند رجعات ۲) xx

صفحہ	عنوان
۲۹ - ۸۷	مذہب و رابطہ آن با خود کشی .....
۸۷ - ۸۹	طرق خود کشی .....
۸۹ - ۱۰۰	جلوگیری از انتحار .....
۱۰۱ - ۱۲۵	نتیجہ .....

تایپ سعید • بڈگاہ زربخشا

فرد ما چون آنفکریها و سرگرفانی هاست. بیشتر فکریها باید  
 مایعینی و قدر رسا عجز از آن گویا انانرا از کار توان فرسسا  
 باز و معاف داشته و از چه از نوار بیای زندگی مادی او گشته و بر عیسی  
 جان بیشتر فکریها چشم گیری نصیب انسان شده است اما نور بعضی از  
 فکریها بیشتر از هر زمان و عصر با شهره و انوار آشنای ساخته است.  
 نیروی مایعینی بیایه هاست که در وقتا \* معنوی بشر را متزلزل کرد.  
 و او را بر حیا که در خود جاری داشته است بیداریا توسعه قدر رسا مایعینی  
 ما را در اجتماع نیز شکل تازه از ساختند که به طور کلی نه تنها فرد در  
 آرا حیا و حیا و تنهایی میباید بلکه و انرا نیز از پس از همه خود را از دست  
 داده است.

مخصوصا در شهرها \* خودگی و توانم زیاد جمعیت و عدم تعانی افراد  
 با هم اساس نریب و تنهایی و درها خود فرد بیرون خود با هم یعنی با داشتن  
 و بیستاد فرد از آرزوهای دور و دراز در زندگی مادی و خواستنیها و نتوانستی  
 ها فرار از خانواده و بیگانه بردن با اجتماع بی اعتنا \* سرانگی در میسر  
 از هر هاست منقاد زندگی جدید و بی همتی در مبارزه با نوار بیای مشکلاتها  
 و نا اعدایا هم و میباید که تمام با فکر مادی و سرانجام شعاعی از خودی

تخصیص و تعیین آنچنان نارا حتی هائی ایجاد میکنند که در بعضی موارد فرد رهائی خود را در ناپبودن خود نمی یابد و در برخورد کشتی میزنند .

بهمین جهت مطالعه در ایران امر مورد توجه روان پریشگان و روان شناسان و جامعه شناسان بر حلقه قرار گرفته و موسسه محبوسان پهبان گیری از خود کشتی و معالجه روانی افراد را که گرفتار نمایند خودکشی شده اند بوجود آمده است . استفاده از این موسسه محبوسان را که میتواند بعلت و هوامند مدخلی شود در وقتها آنها پس برد و در تحقیق این موضوع به دنبال عمیق و دقیق و در اول آنجه در ایران رساله مانی تحقیق دقیقی و استنتاج صحیح میگرداند ایران را در مقایسه در ایران موسسه محبوسان و آمارها را تعیینی که در این کار راهنمای ما گردد نیست و اگر بخواهیم برای آمار گیری دقیق بر روزنامه ها که تنها وسیله این کار است به برنهم این کشور بپردازیم پس بد که در مابین ما موقوفاتند آمار دقیق و صحیح از این موضوع بدست دهند و نه همه خود کشتیا علت صحیح کار خود را شرح میدهند از آن گذشته فقط تعداد کمی از افراد را که مقرر کشتی بجای

مواگذارند و علتش عمد خود را تشریح مینمایند .

بر این رساله مقاله خود کش و عوامه محرران و طرز خود کش مسجود

بحث و بررسی علمی قرار میگیرد .

- بر زمانهای قدیم فلاسفه علت آنرا بر مبنای فلسفه خود توجیه
- نمودند و اولی اکثراً بعضی از دانشمندان بر نتیجه تحقیقات عقیده
- دارند که بپرزاران از زندگی و سبب و تغییر نمودن بسیار و تمایز بجایان
- بجهت زندگی حاصی است اخلاقی که بدین صورت است بر افراد نرسد
- میشود و معمولاً بر خانواده ها این طرز فکر از اخلاقیات منتقل
- میشود از طرف بعضی روانپزشکان و پزشکان عامه جسمانی را که مربوط به
- اختلالات از آن قسم افراد بشود یا شاید علمای بزرگید و میدانند بدهد
- نامساعد بودن محیط جسمانی آنها را عامل مؤثر خود کشیها میدانند
- بعضی ها معتقدند که خود کشی از عوارض بیماری بدن از سمیت مایخولینیا
- جنون از واری پسوگنا نالستی حرکتی ناشی میشود .

عده ای معتقدند که خود کشی ناشی از هم پاشیدگی نظام اجتماعی و -

در هم ریختن خالیهها و شکستگی روابط در جامعه و بر نتیجه احسان تنهایی

و تا امید بود ز میاخذ .

ولی انتحار رسیده و ساد و نیست که آن را ناشی از بی علت معین  
و منحصر به انیم بلکه عوامل و علت مختلف است که در رسیدن به هم نمانده  
وزمنه را بران غرض جهت انجام خود کشی مساعد ساخته اند و انگیزه  
یا سپانده حرضی کافی است که غرض خود کشی بکند و ما معمولاً همین عامل را  
سبب و علت خود کشی تلقی میکنیم .

بنا بر این میتوان چنین از آنست که در مساله خود کشی عوامل متعدد و  
مختلف وجود دارد که عمدتاً آنها عامه جسمانی روانی و اجتماعی محروماتی  
انحصار در مسائل میباشند و ما به ترتیب تا آنجا که امکان فوجیه حاصل  
شود به بررسی و تبیین هر یک از این عوامل می پردازیم از جمله سببهای  
گرسخود کشی در ایران بجز جوانان روانی سپان کرده است هفته ای -  
نمیگذرد که خبر چند خود کشی را در روزنامه ها چشم نمود تازه -  
اخبار خود کشی که در روزنامه ها شرح میشود یکدهم انتحارمانیکه روح  
میدهد نیست زیرا ما آثار صحیحی از این امر نداریم در اینجا ما میخواهیم  
کشف کنیم چه عللی باعث میشوند که اینها از جان خود دست بکشند و سوانحی

خاموشان رهیار گردند .

بر خاسته باید یاد آور شد که معرفت حکم و کیفیت چنین واقعه ای ه

دماغی برزیده و فکری پخته و نظری سائب و استنباطی مفطنی و متدما تسی

عمیق و با تجربه تحقیقا - کامد میخواد .

بعلاوه موضوعی که چه محدود یا بران و کور عزیز خودمان است و لسی

امروز بطوری معلوم آید که تنها معتقد دنیا حکمیت خاتوان ه و -

احتمال را دارد که نه تنها افراد و نشانی بهم میروند بلکه موضوعات

گو چه نیز بهم رینا بینا میکنند و نظار میرود که مراجعه با آرا -

انتمندان و جامعه دانسان بر حقه معتقد دنیا نه تنها بموضوع ما

مرسد است بلکه بران توسیح موضوع تحسید مفید و مناسب خواهد بسود

عشر آرا و عقاید انتمندان بر ساری بوند و تصدیق اوقات اسناد محترم

گو چه آرائیها و مقتدم است لازم خواهد بود تا بتوانیم بموضوع اعلسی

بود است با تمام این عرایس و مزاحمتها باز نشر صاحب اسناد است که راهنما

گردنده صحن و کوشش بوند ه را بشمر خواهد رسائید . تا آنجا که وقت و وسایط

و اعتبارها اجازه داده نرا این مد - کوتاه تلاش همه جانبه ان بر مورد -



( ٦ )

موتور انتخابی که مورد نظر است را مشخص کنید .  
عمل آمد ، است تا چه مقبول افتد وجه سر نظر آید .

XX

XX

XXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXX

X

xxx (تشریحات مربوط به خود کشی) xxx



عقیده ماحیدنوران در مورد خود کشی :



در این گفتار عقیده برخی از فلاسفه و دانشمندان و ماحیدنوران را بیان می‌نماید.

حکامه یاد آور می‌شویم .

ارسطو (۱) انتظارها فقط از این نظر که بدولت خود می‌رساند بد اعتماد

ناروا میدانند ولی از نظر خود فرد در نظر او بد مانع است .

ایپیکوریان (۲) معتقدند به سستی و یا از این مکتب رحمت و پیاخت توأم با خود کشی

بزرگترین سعادت است و انسان است و از این رو سستی و یا از این مکتب رحمت و پیاخت توأم

رو به آثارشان بخود کشی کشیده است .

ایپیکور (۳) این را تشدید برین بیدار از همه دانشمندان زمان خود

بسیار به مسائل اجتماعی سخن به میان آورده است . وی گفته که در این مکتب چیزی

میرسد است از نقصان روح و لا یرون مردم شهر نشین و دنیا و ناراحتیهای

مربوط به زندگی شهرن گدگوار کرده و باز بیدیده خود کشی بعنوان یک ناخوشی

روح و اجتماعی سخن به میان آورده است .

-----	KANT STOTLE	-----
۱	کور و فسانا نارسیوس صفحه ۱۱۲ سیاست ارسطو صفحه ۱۱۹	
۲	EPICURANS	
۲	جزوه اخلاق ۸۶	
۳	کتاب مقدمه ایپیکوریلدون صفحه ۲۶	

روسو (۴) میگوید: «از نظر اخلاقی بدنامی من برابر زندگی زیستن بسا

نبرد غریب بیساز فرار از رنج بوییلده مرگ است.»

سنتام (۵) این دانشمند و فیلسوف انگلیسی که اصول اخلاقی خود را

در سال ۱۸۰۰ از فلسفه خود نقلی گرفته بود به قاعده خود طبیعی اساس محکم

داد و متقاعد و مکتب اپیکوریان را راجع بحودتشی از این راه تا و بسند

و استدلال کرده است.»

کانت (۶) بدین کلمات خودکشی زیر بانهادن و تلافی و تلافی است که هر

فرد را بجا نواز و جامده بشود و منطقتی می پیوندند.»

خوینهاور (۷) میگوید: «آخرین گریز از زندگی خودکشی است.» در خودکشی

با شرفه نظر و تعهد بدین شرفه از میزان برتریزه پیروز میگردد.»

۱. میبل دورکیم (۸) که به معنی پسندیده خودکشی بی برده بود عقیده دارد بحودتشی

که عامد اصلی آن ناشی از هم پناهندگی نظام اجتماعی و نیز هم ریختن فالتبها

و استتگی روابط خود باندیکران است بطور خلاصه نتیجه احساس تنهایی و طوالت

۱ - جزوه اخلاقی آقان محقق صفحه ۷

۲ - تاریخ فلسفه صفحه ۲۷۶

۳ - جزوه اخلاقی آقان محقق صفحه ۴۸

ماتواکن (۱) که در علم خود شیفته جانسی نارسا آنکه بر علت  
اجتماعی بران خود شی با نور کیم هم غیب و اسدولن بحاطک بوندیمرا توجه  
دارد و بیچیدگی و خواری زندگی خود را در شهرها و جدید علم و رواج خودکشی  
میشمارد .

مگره اگر از دانشمندان کثرتی که شماره بشید و میسر انبار نظر -  
کرد و اندک چشم بوهی کتیم در این بحث میتوان بدو غیب و کتی دیگر ناکت  
آمد تا بگذرند از دریده و اعمه نظامی در بدستی دارند و خود کتسی  
رازه تنها جائز بود اندک تا که اسام بنار را با انواع عمده خیر و نوار انصافه  
میان دارند و بر مایه ابرید و احد نیور و دیلسوفان خوشیور نوار رفته اند  
و بیروار است نریه نه تنها خود کتی را جائز تصانیف بدک انعام به آنرا  
نهایستی و بی همتی میشمارند میگویند این چنین افراد نمیتوانند بر زندگی  
برعلیه مشکل تبدیل کند و از زیوتی به چنین عمده رفتن حد میزنند اما بر هر  
حال خود شی امر انصاف اجتماعی و به خیر و سه نانی از بدست همتی یا بی همتی  
افراد نمیتواند رانار افراد هر چه باشد تا حدود زیاد مربوط به عوام است

وشرایط اجتماع آن و بهمین جهت نظریه دورگیم نسبتاً صحیح  
تر بنظر میرسد . (۱)

xx ((آمار بیون نمونه ای از ۱۰۰ نفر بر حسب مطبوعات)) xxx

که مورد مطالعه گرفته

گروه نمونه ما شامل ۱۰۰ نفر از انتظار کنندگان در آن بودند  
که پیشینه قتل نفسی در حد از این چهار بر بسته اند .  
البته مسلم است که بموازات سایر افراد اجتماع دیگر در هم خود کشی کرده  
بودند ولی مورد منبج کافی در دست یافتیم لذا نتوانستیم آمار ترسیم  
مورد کشی کنندگان را بدست آوریم اما در هر صورت شاید بتوانیم در این  
راه برداشته وحشتی بر بالای وحشتی گذاشته ایم .

اطلاعات ما در باره ۳۵ نفر انتظار کنندگان از میان روزنامه کیهان  
و اطلاعات ویدیه از اطلاعات <sup>منتزاع</sup> بلنورد نسبت طبقه طبقه و نوع انتظار را بدست  
و با صراحت اظهار عقیده کنیم چون اوراق از انتظار کنندگان معمولاً حقیقت

را بعلت مدغم گشتن میکنند و یا شاید روزنامه ها بعلت معاشرتی  
 که دارند بعلت خود کسی بعلت ناراحتی از دل در ستگاه دولتی بسوده  
 که بکار این بخش رسیدگی نمیکرد بعد از او افتخار نیز مانند سایر عوامند  
 و پندیده های اجتماعی نارای مقدمات و موجبات است و فکر اذتار کنند  
 از مقدمات و موجبات ناشی میشود و مرحله عمد مهر است لذا ما از روی جرایمند  
 نمیتوانیم مقدمات و موجبات صحیح این امر را بدانیم .

از طرف دیگر حتما لازم نیست ماهوم خود کشی وقت نفس ناشی کسی  
 باشد زیرا ممکن است کسی بشارت دیدار و غیره مدخلی در نفس تو شود و او بداند  
 مثلا آن تریاک که تریاک میکند و آن مرد نادان است که از بطری تریاک  
 دستگیر نمیدارد و یا آن جوانی که غریب در افکار حزن آور است و یا آن  
 دستان و آزار که بر اثر فقر و بیچارگی توان روز بروز تحلید میبرد همه  
 اینها خود کسی میکنند و اگر ما همه اینها را در نظر بگیریم من بینیم  
 عدد کسانی که خود را ترا عمدت با سایر عمدت نمود میکنند خیلی زیاد است  
 فعلا منظور ما در اینجا فقط عدد است که آنها و همرا خود را نابود  
 میکنند و در اینجا میخواستیم بدانیم چه نعلی باعث میشود که اینها از جان

خود را به پیشویند و بیواد را خاموشی رهسپار گردند .

وقتی بعلم خود کسی توجه کنیم میببینیم عوامد مختلفی در دست  
هم داد و زمینیه را چپه انجام خود کسی تر فرد معاند ساخته و فرد منتظر  
بند فرست حریف است که خود را تا جود بکنند البته در میان علمدیت علمد  
مهم وجود دارد که علمد های دیگر را تقریباً تمام اشخاص خود فرار میدهند آن  
علمد را ایران معمولاً علمد انحصار میماند که از فقر و بیگاری نتوانی  
باید دانی عوامد دیگر نیز مانند عوامد توانایی و دوشی مخالف میمانی  
تربیتی ، سیاسی ، روانی ..... وجود دارد که هر یک در جان خود قدر مهمی  
در خود کسی دارند ما در اینجا خیلی آمار از آن مراد را میباید رایج ایران بنویست  
آمد ، به ذکر و تعبیر عوامد خود کسی میسرنازیم .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXX

XXXX

X